مجلهٔ زبانشناسی و گویش‌های خراسان ، سال چهاردهم ، شماره ۲، تابستان ۱٤۰۱، شمارهٔ پیاپی ۲۷

DOI: 10.22067/JLKD.2022.76177.1097

تلفیق نظام نیرو-پویایی و استعاره‌های مفهومی در تحلیل استعاره‌های کوید- ۱۹ زبان فارسی

رضا کاظمیان، دانشجوی دکتری، گروه زبان شناسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

سمیه حاتم زاده دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

صص: ۱۵۳-۱۲۷

چکیده

با ظهور ویروس کرونا، تعابیر استعاره‌ای آن مورد توجه پژوهش‌های متعددی قرار گرفت تا نقش نظام شناختی در درک یک مفهوم جدید و ناشناخته آشکار گردد. این در حالی است که پژوهش‌های گذشته از اهمیت برخی فرایندهای مفهومی همچون نیرو-پویایی که نقش قابل توجهی در مفهوم پروری ویروس کرونا ایفا می‌کند باز مانده اند. لذا پژوهش حاضر با استفاده از مدل کوچش (a۲۰۲۰، بزودی) که ترکیبی از نظریهٔ استعارهٔ مفهومی و نظام نیرو-پویایی است، به دنبال آشکار کردن نقش اساسی نیرو-پویایی در تفسیر استعاره‌های کرونا است. همچنین، این مقاله قصد دارد دریابد آیا ارتباط پایداری بین استعارهٔ مفهومی (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۹) و نیرو-پویایی (تالمی، ۲۰۰۰) وجود دارد تا درک عمیق‌تری از استعاره‌های کرونا حاصل شود. بدین منظور، با استفاده از یافته‌های مطالعات پیشین حوزه‌های معنایی مورد نیاز را شناسایی نموده که عبارتند از جنگ، آتش، نیروی طبیعی، حیوان وحشی و ابزار که همگی شامل طرحوارهٔ نیرو هستند. یافته‌های این پژوهش حاکی از ارتباط میان استعاره‌های بیماری و نیرو-پویایی است که در درک بهتر ساختارهای استعاره‌ای پیچیده کمک شایانی به ما نموده و ماهیت‌های نیرو و گرایش‌های آن را مشخص می‌کند.

کلیدواژه‌ها: استعارهٔ مفهومی، نیرو-پویایی، استعاره‌های بیماری، طرحوارهٔ نیرو ،کوید ۱۹.

تاریخ دریافت :۱۴۰۰/۰۱/۲۲ تاریخ پذیرش : ۱۴۰۱/۰۴/۲۸

پست الکترونیکی: 1. reza.kazemian.linguistics@gmail.com 2. somayehhatamzadeh@gmail.com

مقدمه

استعاره‌های مفهومی[۱] به عنوان یکی از فرایندهای تأویل نقش قابل توجهی در شکل گیری تصورات و تجربیات ما ایفا می‌کند. مفهوم پروری در استعاره از طریق نگاشت هایی[۲] بین حوزهٔ مبدأ[۳] که آشنا، ملموس و عینی بوده و حوزهٔ مقصد[٤]که انتزاعی، پیچیده و ناشناخته است صورت می گیرد(ر.ک. لیکاف و جانسون[٥] ۱۹۸۷؛ کوچش[٦] ۲۰۰۳، ۲۰۰۰). از آنجا که استعاره‌ها ریشه در نظام شناختی انسان دارند ردشان در زندگی و انواع گفتمان‌های روزمره به خوبی قابل مشاهده است. از جمله گفتمان‌هایی که در دو سال اخیر به دلیل ظهور و گسترش ویروس کرونا بخش قابل ملاحظه‌ای از تعاملات بشری در آن بروز یافته گفتمان سلامت و بیماری است که متقابلاً باعث ظهور استعاره‌های بیماری گشته و در نتیجه مطالعات حوزهٔ زبان شناسی شناختی مشخصاً مطالعات استعاره‌های مفهومی را نیز به این سمت سوق داده است (مانند، نرلیش[۷]، ۲۰۲۰ ؛ کریگ[۸]، ۲۰۲۰ ؛ نرلیش و جاسپال[۹]، ۲۰۲۱ ؛ سمینو[۱۰]، ۲۰۲۱ ؛ عبدالرحیم[۱۱]، ۲۰۲۱ ؛ کاظمیان و حاتم زاده ، ۲۰۲۲). به علاوه، تأثیر استعاره‌ها درتفهیم بیماری‌های واگیردار ناشناخته در دهه‌های گذشته نیز بطور گسترده مورد بررسی قرار گرفته است (مانند، سانتگ[۱۲]، ۱۹۷۸، ۱۹۸۹؛ نرلیش و دیگران[۱۳]، ۲۰۰۲؛ نرلیش، ۲۰۰٤؛ براون و دیگران[١٤]؛ ۲۰۰۹؛ نرلیش و کوتیکو[۱٥]، ۲۰۱۲).

علیرغم حجم عظیمی از مطالعات شناختی روی بیماری‌ها، به ویژه ویروس جدید کرونا و سهم ارزشمند آنها در درک هرچه بهتر فرایندهایی همچون استعاره، مجاز[١٦]، و آمیزهٔ مفهومی[۱۷]،

1- Conceptual metaphors
2- Mapping
3- Source domain
4- Target domain
5- Lakoff and Johnson
6- Kövecses
7- Nerlich
8- Criag
9- Nerlich and Jaspal
10- Semino
11- Abdel-Raheem
12- Sontag
13- Nerlich et.al.
14- Brown et.al.
15- Nerlish and Koteyko
16- Metonymy
17- Conceptual blending

نگاهی دقیق به این تحقیقات می‌تواند شکاف در میان این پـژوهش‌هـا را نشـان دهـد. بـه نظـر می‌رسد این شکاف ناشی از عمومیت برخی از نظریه‌های زبانشناسی شناختی[1] از جملـه نظریـهٔ استعارهٔ مفهومی[2] و نادیده گرفته شدن برخی دیگر همچون نظریهٔ نیرو-پویایی[3] است. ظاهراً در خصوص بیماری‌ها به ویژه بیماری کرونا تا کنون به جز یک مورد (کاظمیان و دیگران، ۲۰۲۲) مطالعات مشخصی صورت نگرفته که ارتباط دو نظریهٔ استعارهٔ مفهومی و نیرو-پویایی را مـورد مطالعه قرار دهد. با پیروی از الگوی تالمی[4] و با بهره‌گیری از نظریهٔ نیرو-پویایی، کوچش برای اولین بار در پی رفع شکاف مذکور به تحلیل استعاره‌های مفهومی پرداخته است. اگرچـه مـدل پیشنهادی کوچش (بزودی) بر روی استعاره‌ها و نظریهٔ نیرو-پویایی محـدود بـه اسـتعاره‌هـای احساسات می‌باشد، اما به نظر میرسد که دامنهٔ اعمال این مدل محدود بـه احساسـات نیسـت و در حیطه‌های دیگر نیز قابل اجرا است. نظر به اینکه استعاره‌های بیماری به ویژه اسـتعاره‌هـایی که به توصیف ویروس کرونا می‌پردازند ریشه در نیروها و اعمـال دارنـد (ر.ک. سـمینو ۲۰۲۰)، این پژوهش قصد دارد چگونگی پیوند دو مدل نیرو-پویایی (تـالمی، ۱۹۸۸، ۲۰۰۰) و اسـتعارهٔ مفهومی (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰) در تحلیل استعاره‌های کرونا را دریابد.

مطالعهٔ حاضر با اقتباس ازپژوهش کوچش (۲۰۲۰a، بزودی) ، به نقـش تحلیلـی ایـن مـدل ترکیبی پرداخته و دیدگاه چند سطحی[5] استعاره و نیروپویایی را در تفسیر اسـتعاره‌هـای کرونـا مورد مطالعه قرار می‌دهد. در این پژوهش، ما قصد داریم نشـان دهـیم کـه چگونـه یـک مـدل ترکیبی از اسـتعارهٔ مفهـومی و فراینـد نیـرو-پویـایی در سـاختارهای اسـتعاره‌ای کرونـا، قابـل اجراست. مطالعات گذشته حاکی از آن است که بیشتر استعاره‌های مفهومی مربوط به کرونـا بـا نیروها ارتباط تنگاتنگی دارند (ر.ک. به سمینو،۲۰۲۱؛ الزا و دیگران[6]، ۲۰۲۱؛ کاظمیان و حـاتم زاده، ۲۰۲۲). بنابراین تجسم استعاره‌های مربوط به کرونا در قالب سطح کلـی اسـتعاره‌هـا و بـا کمک استعارهٔ مفهومی بیماری‌ها نیروها هستند[7]، امکان پذیر است. همچنین محققـین شـناختی براین باورند که استعارهٔ مفهومی علت‌ها نیروهـا هسـتند[8]، در زمـرهٔ اسـتعارهٔ سـاختار رویـداد[1]

1- Cognitive linguistics
2- Conceptual metaphor theory
3- Force-dynamics theory
4- Talmy
5- Multilevel view
6- Olza et.al.
7- DISEASES ARE FORCES.
8- CAUSES ARE FORCES.

(لیکاف، ۱۹۹۳) قرار می‌گیرد. بنابراین، به واسطهٔ استعارهٔ بیماری‌ها نیروها هستند، بیماری‌ها در قالب نیروها تعریف شده و بر این اساس با علت‌ها معادل در نظر گرفته می شوند.

پیشینه پژوهش

استعاره

در چهار دههٔ اخیر، نظریهٔ استعارهٔ مفهومی شاهد موجی از تحقیقات و پژوهش‌های وسیعی بوده است که جملگی با اتکا بر کتاب لیکاف و جانسون[۲] (۱۹۸۰)، به این موضوع اهتمام ورزیده‌اند. با در نظرگرفتن استعاره به عنوان ابزاری در جهت توصیف مفاهیم و نه صرفاً تزئینی، نظریهٔ استعارهٔ مفهومی تغییری اساسی در الگوی سنتی استعاره بوجود آورد. این نظریه، استعاره‌های مفهومی را در قالب نگاشت‌هایی تعریف می‌کند که مفهومی کلیدی در این حوزه محسوب می‌شود. یک استعارهٔ مفهومی نگاشتی است از یک حوزهٔ معنایی (عینی) به حوزهٔ معنایی دیگر (انتزاعی) یا درک یک حوزهٔ معنایی در قالب حوزهٔ معنایی دیگر (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰).

اگرچه نظریهٔ استعارهٔ مفهومی به خاطر دستاوردهای قابل توجهش در حیطهٔ زبانشناسی شناختی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است، با این وجود با انتقادهای گسترده‌ای هم مواجه شده است. انتقاد اساسی که به این نظریه وارد است، بحث مهمی است که عمیقاً ریشه‌ای مفهومی–نظری دارد و به مفهوم حوزه[۳] باز می‌گردد (کوچش،b ۲۰۲۰: ۵۰). به نظر می‌رسد دیدگاه چندوجهی (کوچش، ۲۰۲۰b) به استعاره‌ها راهی در جهت برون رفت از این چالش است. هنگامی که ما استعاره‌ها را در چهار سطح طرحوارگی بطور همزمان به صورت یک نمودار عمودی شامل طرحواره‌های تصویری[۴]، حوزه‌ها[۵]، قالب‌ها[۶] و فضاهای ذهنی[۷] در نظر بگیریم، معضل حوزه و مفهوم آن به شکلی رفع می‌شود (ر.ک.کوچش، ۲۰۲۰b). نمودار سلسله مراتب چهار وجهی (شکل ۱) نشان می‌دهد که سطح طرحوارگی با جهت پیکان

1- Event Structure Metaphor
2- Lakoff and Johnson
3- domain
4- Image Schemas
5- Domains
6- Frames
7- Mental Spaces

هماهنگ است؛ پیکان به سمت بالا نشان دهندهٔ افزایش طرحوارگی و پیکـان بـه سـمت پـایین نشان دهندهٔ افزایش اختصاصی شدن است.



شکل ۱- سلسله مراتب طرحوارگی در ساختارهای مفهومی (کوچش، ۲۰۲۰: ۵۲)

ارائهٔ شرح کاملی از استعاره نیازمند فهم مفاهیم اصلی زبانشناسی شناختی است (که عبارتند از؛ طرحوارهٔ تصویری، حوزه، قالب، فضای ذهنی). اولین مفهوم، طرحوارهٔ تصویری اسـت کـه یک الگوی به شدت طرحواره ای است و ریشه در حواس اصلی ما و نحوهٔ تأثیر محیط بـر مـا دارد (ر.ک. همپ [1]، ۲۰۰۵؛ سوئیستر و دنسیگیر [2] ۲۰۱٤). طرحواره‌های اصلی شـامل؛ مسـیر [3]، نیرو [4]، ضد نیرو [5]، تعادل [6]، کنتـرل [7]، چرخـه [8]، درون/بیـرون [9]، مرکز/پیرامـون [10]، ارتبـاط [11] (ر.ک. لیکاف و جانسون، ۱۹۸۹؛ جانسون، ۱۹۸۷) هستند. حوزه‌هـا نیـز از میـزان بـالای طرحـوارگی برخوردارند و در این نمودار عمودی بلافاصله پس از طرحواره‌های تصویری قرار مـی‌گیرنـد. در مقایســه بـا دو مفهـوم قبلـی، قالـب‌هـا(فیلمور [12]، ۱۹۸۲) از درجـهٔ کمتـری از طرحـوارگی برخوردارند. آنها جنبه‌های مختلف یک حوزه را نشان می‌دهند و روابط موجود بین حوزه‌هـا و قالب‌ها را آشکار می‌سازند (سولیوان [13]، ۲۰۱۳). فضاهای ذهنی(فوکونیه [14]، ۱۹۹٤) بـه عنـوان

1- Hampe
2- Sweester and Dancygier
3- Path
4- Force
5- counterforce
6- Ballance
7- Control
8- Cycle
9- In/Out
10- Center/Periphery
11- Link
12- Fillmore
13- Sullivan
14- Fauconnier

اختصاصی ترین ساختارهای شناختی در یک سطح مفهومی بسیار غنی عمل می‌کنند و در درک آنی ما از مفاهیم نقش مهمی را ایفا می‌کنند (کوچش،2020b: ٥٤).

طبق آن چه گفته شد می‌توانیم سلسله مراتبی از استعاره‌ها را جهت تفسیر استعاره‌های برخاسته از کرونا تصور کنیم. سطحی که بیشترین میزان طرحوارگی را دارد طرحواره‌های تصویری هستند که جنبه‌های مختلفی از استعاره را دربر می‌گیرند. محققین این سطح را انتزاعی‌ترین سطح دانسته و بر این باورند که این سطح بر پایهٔ تجربیات ما استوار است. در واقع این سطح تجسم یک ساختار مفهومی است که طبق نظریهٔ تالمی از نمودهای مفهومی[1] تشکیل شده و از تجربیات ما که ناشی از تعامل ما با دنیای اطراف ماست نشأت می‌گیرد. تالمی بین ساختار مفهومی[2] و ساختار معنایی[3] تمایز قائل است و معتقد است که در ساختار مفهومی خلق مفاهیم کلی و انتزاعی رخ می‌دهد، درحالی که در ساختارهای معنایی خلق واحدهای معنایی صورت می‌گیرد. آنچه از تحلیل تالمی برمی‌آید این است که "ساختار معنایی که از تجربیات و دانسته‌های ما برمی‌خیزد منعکس کنندهٔ ساختار مفهومی است" (ایوانز و گرین[4]، ۲۰۰٦ : ۱۷۷). در الگوی ارائه شدهٔ کوچش سطح بعدی سطح حوزه است که پایه و اساس نیرو-پویایی است اما عمیقاً در سطح طرحوارهٔ تصویری ریشه دارد. سطح بعدی در نمودار عمودی طرحوارگی سطح قالب در نظر گرفته شده که در آن ویژگی‌های خاص استعاره‌ها وجود دارند. پایین‌ترین قسمت نمودارمتعلق به سطح فضاهای ذهنی است که شامل جزئی‌ترین اطلاعات مربوط به استعاره‌هاست. بنابراین، چهارچوبی که کوچش ارائه می‌دهد کمک شایانی به درک عمیق‌تر ما از ساختارهای پیچیدهٔ استعاره‌ای می‌کند و ارتباط آنها با الگوی نیرو-پویایی را آشکار می‌سازد.

استعارهٔ بیماری و نیرو-پویایی

1- Conceptual Representations
2- Conceptual Structure
3- Semantic Structure
4- Evans & Green

در دهه‌های اخیر شاهد موج عظیمی از پژوهش‌هایی بوده‌ایم که بر استعاره‌های بیماری تمرکز داشته اند، به گونه‌ای که پیشینهٔ قابل ملاحظه‌ای در باب بیماری‌ها و استعاره‌هایی که به مفهوم پروری در این حوزه می‌پردازند پدید آمده است. در این خصوص، حیطه‌ای که به صورت گسترده مورد پژوهش قرار گرفته است، حوزهٔ بیماری سرطان است. از اصلی ترین و بنیادی ترین پژوهش‌های استعاره‌های بیماری می‌توان به مطالعهٔ جالب سانتگ[۱] (۱۹۷۹، ۱۹۸۹) اشاره کرد که استعاره‌های مربوط به بیماریهای سل[۲]، سرطان[۳] و ایدز[۴] را مورد بررسی قرار داد.

سمینو و دیگران (۲۰۱۵، ۲۰۱۸) نشان دادند چگونه استعاره‌های جنگ[۵] و استعاره‌های سفر[۶] در زبان بیماران و پزشکان در صحبت از سرطان به وفور دیده می‌شود. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که در حالی که استعاره‌های سفر به بیماران قدرت می‌دهند، استعاره‌های جنگ احساس ناامیدی و درماندگی در بیماران ایجاد می‌کنند. به همین ترتیب، در مورد همه‌گیری نیز، استعاره‌های جنگ به طرز چشمگیری مورد توجه واقع شده که ظاهراً دلیل آن این است که استعاره‌های جنگ در همه‌گیری ها بخشی از سیاست‌های کلی کنترل بیماری و عامل ایجاد حس همبستگی و همکاری در جامعه است (لارسون و دیگران[۷] ، ۲۰۰۵).

بدین‌ترتیب می‌توان گفت که استعاره‌های بیماری بخش مهمی از نظام شناختی ما را تشکیل می‌دهند که به فهم و درک ما از بیماری‌ها کمک می‌کنند. بیماری نوظهور کرونا نیز از این قاعده مستثنی نبوده و مطالعات شناختی، زبان شناختی بسیاری در همین زمان اندک از ظهور آن به بررسی استعاره‌های مفهومی مربوط به آن پرداخته اند(نظیر، نرلیش و جاسپال[۸]، ۲۰۲۱ ؛ سمینو[۹]، ۲۰۲۱ ؛ عبدالرحیم[۱۰]، ۲۰۲۱ ؛ کاظمیان و حاتم زاده ، ۲۰۲۲). با این وجود، به نظر می‌رسد تحقیقاتی که تا کنون انجام شده‌اند، به غیر از یک مورد (کاظمیان و دیگران، ۲۰۲۲)، نسبت به نقش برجستهٔ طرحوارهٔ نیرو در استعاره‌های مربوط به کرونا بی توجه بوده و ارتباط تنگاتنگ استعاره‌های مفهومی و نظام نیرو-پویایی را مورد بررسی قرار نداده اند. آنچه که

1- Sontag
2- Tuberculosis
3- Cancer
4- AIDS
5- War Metaphors
6 -Journey Metaphors
7- Larson et.al.
8- Nerlich and Jaspal
9- Semino
10- Abdel-Raheem

تاکنون مورد توجه پژوهشگران این حوزه به ویـژه پژوهشـگران زبـان فارسـی نبـوده اسـت و چندان روشن نیست، تأثیر نظریهٔ نیرو–پویایی در درک مفاهیم اسـتعاره‌ای پیچیـده اسـت. ایـن مطلب نشان دهندهٔ این است که در جهت کشف این پیچیدگی‌ها، طراحی یک مـدل ترکیبـی از استعاره‌های مفهومی و نظام نیرو–پویایی ضروری به نظر می‌رسد. مقالـهٔ حاضـر مـی‌کوشـد تـا ارتباط نزدیک بین این دو نظریه را دریابد و مدل ترکیبی کـه کـوچش ارائـه کـرده اسـت را در خصوص استعاره‌های مربوط به کرونا در زبان فارسی را به کار بندد.

نظام نیرو–پویایی در دسته بندی کرافـت و کـروز (۲۰۰٤) زیرمجموعـهٔ فراینـدهای تأویـل گشتالتی قرار می‌گیرد. طرحواره‌های نیرو–پویایی حاصل تجربـهٔ فشـار و حرکـت اسـت و بـر خلاف سایر فرایندهای تأویل که اساساً تصویری هستند، بر پایهٔ حرکت شکل می‌گیرنـد. نظـام نیرو–پویایی اساساً حول چهار مفهوم موجب شـدن، اجـازه دادن، کمـک کـردن و مـانع شـدن می‌چرخد (تالمی، ۲۰۰۰: ٤۰۹) و تصور حاکم بدین مضمون است که تعامل پدیده‌ها در قالـب روابط اعمال نیرو، مقاومت در برابر نیرو، برتری مقاومت، ممانعت از اعمال نیـرو و رفـع مـانع قرار می‌گیرند (تالمی، ۲۰۰۰: ۲۱۹). طرحواره‌های نیرو–پویایی در زبان بسیار رایج هستند و در تمامی تعاملات سببی به دلیل اعمال نیرو شاهد حضـور آن‌هـا هسـتیم. گفتمـان بیمـاری از آن جهت که دربردارنده چنین تعاملات سببی است و همچنین اینکه به خوبی نشان دهنـدهٔ تجربـه فشار و حرکت است می‌تواند به عنوان منبعی مناسب بـرای درک بهتـر کـارکرد ایـن دسـت از فرایندهای تأویل به حساب آید. در نظام نیـرو–پویـایی دو ماهیـت وجـود دارد کـه نیـرو وارد می‌کنند: عامل[1] و ضد عامل[2]. عامل توجه اصلی را به خود جلب می‌کند و ضد عامل با نیـروی عامل مقابله می‌کند تا بر آن غالب شود و یا شکست یخورد.

همان گونه که در مباحث قبلی به آن پرداخته شد، برخـی از اسـتعاره‌هـای مفهـومی (ماننـد استعاره‌های احساسات) به نظام نیرو–پویایی گره خورده‌اند و انگیزهٔ ایجاد شدن خود را از نظام نیرو–پویایی می‌گیرند (کوچش، ۲۰۰۰، ۲۰۰۳). در این نـوع از اسـتعاره‌هـا دو ماهیـت وجـود دارند که به یکدیگر نیرو وارد می‌کنند (خود احساسی و خود منطقی) که در نهایت یکی از آنها پیروز می‌شود. با این وجود، این نکته فقط در مورد استعاره‌های احساسات صـدق نمـی‌کنـد و

1- Agonist
2- Antagonist

استعاره‌های دیگری هم یافت می‌شوند که ویژگی بارز نیرو در آنها دیده می‌شود و در نتیجه زنجیره‌ای از سبب‌ها خلق می‌شوند(کوچش، بزودی).

از آن جا که استعاره‌های بیماری تبادل نیروها و حرکات را نشان می‌دهند (سمینو، ۲۰۲۱)، می‌توان آنها را به عنوان نمونه‌هایی از سبب و نیرو در نظر گرفت. با تعیین خصوصیات نیرو-پویایی و پیوند آنها با این استعاره‌ها و نقش آنها در تحلیل مفاهیم استعاره‌ای ، این فرضیه که استعاره‌های بیماری به طرز پویایی ریشه در نیروها دارند قابل بحث و بررسی است.

به همین ترتیب که استعاره‌های احساسات به طرحوارهٔ نیرو پیوند خورده اند، تفسیر استعاره‌های بیماری نیز به کمک طرحوارهٔ نیرو تسهیل شده و ملموس‌تر خواهد بود (شکل ۲). در هردو نوع از این استعاره‌ها، رشته‌ای از سبب‌ها در یک توالی به دنبال هم آمده‌اند. همچنین دو ماهیت عامل و ضد عامل نیز وجود دارند که با هم تعامل دارند و به یکدیگر نیرو وارد می‌کنند. بدین‌ترتیب، طرحوارهٔ نیرو دو بار قابل اجراست؛ ابتدا یک عامل قوی (ویروس) بر عامل قوی دیگری (انسان) تأثیر گذاشته که در نتیجه بیماری ظهور می‌یابد. از طرفی دیگر، تأثیر یک هویت قدرتمند (بیماری) بر هویت دیگری (انسان) که همواره سعی در غلبه بر بیماری دارد، قابل توجه است. دلایل خاصی منجر به بروز بیماری شده و بیماری خود باعث ایجاد واکنش در انسان می‌شود. در اینجا علت بیماری (ویروس) نیرویی دارد که وضعیت بدن انسان را تغییر می‌دهد و بیماری نیز قدرتی دارد که بر واکنش انسان مؤثر است.



شکل ۲- الگوی طرحوارگی بیماری (الهام گرفته از کوچش ۲۰۲۰: ۱۲۹)

با درنظر گرفتن مدل بالا می‌توانیم بیماری را به عنوان یکی از طرحواره‌های تصویری خود، یعنی طرحوارهٔ نیرو به حساب آوریم. بنابراین، می‌توان ادعا کرد که اکثر مؤلفه‌های اصلی درک و فهم ما از بیماری، الگوهای نیرو-پویایی هستند. در واقع، مفهوم نیرو که برگرفته از طرحوارهٔ نیرو است در ویروس کرونا نهفته است که متضمن عواملی از جمله تعامل بین ماهیت‌های نیرو، زنجیره‌ای از علت‌ها، عدم تعادل قدرت بین دو ماهیت نیرو، وجود یک سد در جریان این ارتباط و غیره می باشد. ناگفته نماند که هدف این تحقیق بررسی جنبه‌های مختلف

طرحوارهٔ نیرو نیست، بلکه در این پژوهش ما می‌کوشیم با به کارگیری مدل ترکیبی از استعاره‌های مفهومی و نظام نیرو–پویایی به درک کامل و درستی از مفاهیم استعاره‌ای مربوط به کوید– ۱۹ برسیم.

به کمک نظریهٔ استعاره‌های مفهومی، حوزه‌های مبدأ متعددی مشاهده شدند که در شناخت ماهیت ویروس کرونا نقش مهمی را ایفا کردند (کاظمیان و حاتم زاده، ۲۰۲۲). جنگ[۱]، آتش[۲]، نیروی طبیعی[۳]، حیوان وحشی[۴] و ابزار[۵] از حوزه‌های معنایی مهمی تلقی می‌شوند که مسئول توصیف و تعبیر کرونا در ساختارهای استعاره‌ای هستند. نکتهٔ جالب توجه این است که این حوزه‌های معنایی بر انگیزندهٔ حس قدرت هستند که موضوع مورد بحث در نظام نیرو–پویایی است لذا می‌توان گفت که جنبه‌های مختلف استعاره‌های کرونایی در طرحوارهٔ نیروظهور می‌یابد.

علاوه بر این، نکتهٔ مهم دیگری که در مورد ویروس کرونا به وضوح دیده می‌شود، وجود سیری از عللی است که در تشکیل استعاره‌های کوید ۱۹ نقش دارند. ویروس کرونا که منشأ طبیعی دارد، باعث بروز بیماری شده و بدن انسان را شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگرچه همین مفهوم از استعارهٔ علت ها نیروها هستند نیز حاصل می‌شود اما مفهوم نیرو که از حوزه‌های معنایی مذکور برمی‌خیزد، در طرحوارهٔ نیرو یک موضوع کلیدی به حساب می‌آید.

دلیل دیگری که نظام نیرو–پویایی را کاربردی تر از نظریهٔ استعاره‌های مفهومی می‌شمارد، یکی از موضوعات کلیدی زبانشناسی شناختی یعنی مفهوم بدن مندی[۶] است. طبق نظریهٔ تالمی (۲۰۰۰)، دانش و تجربیات ما از جهان پیرامون خود در نمودهای مفهومی منعکس شده و به نمایش در می‌آیند و باعث ظهور ساختارهای مفهومی ما خواهند شد. این ساختارهای مفهومی که اساس بسیاری از استعاره‌های متداول ما هستند، طرحواره‌های ما را شکل می‌دهند. در حالی که استعارهٔ مفهومی در سطح طرحواره‌ها و بسیار کلی اتفاق می‌افتد، نیرو–پویایی در سطح حوزه واقع شده که به بسیار جزئی‌تر و دقیق‌تر به تحلیل مفاهیم می‌پردازد. بنابراین مفهوم بدن مندی به منظور فهم دانش طرحوارگی ما ضروری بوده و مسئول تعبیر مفاهیم پیچیده و

1- WAR
2- FIRE
3- NATURAL FORCE
4- WILD ANIMAL
5- INSTRUMENT
6- Embodiment

حساس همچون بیماری‌ها است. از آنجایی که ویروس کرونا موردی ناشناخته، عجیب و مرموز است و ریشه در دانش و تجربیات ما دارد، بررسی این ویروس در قالب نظام نیرو–پویایی نیز قابل توجه است.

به علاوه ، با وجود دستاوردهای مهم در تفهیم و توصیف مفاهیم ناآشنا و پیچیده و ظهور آنها در بافت‌های متنوع، استعاره‌های مفهومی از نقایصی نیز برخوردار هستند. یکی از محدودیت‌هایی که نظریهٔ استعاره‌های مفهومی بر مفاهیم تحمیل می‌کند این است که در سطحی بسیار کلی عمل می‌کند (کوچش، ۲۰۲۰). علیرغم دستیابی به موفقیت‌های فراوانی که در بافت‌های متعدد کسب کرده‌است ، این نظریه ظاهراً در آشکارسازی و بازنمایی ارتباط پیوسته میان ماهیت‌های نیرو و تعامل بین آنها در مفاهیم استعاره‌ای ناتوان بوده است. این در حالی است که نظام نیرو–پویایی این پیچیدگی را حل می‌کند، همبستگی بین عامل و ضد عامل را نشان می‌دهد و امکان تحلیل دقیق‌تر و جزئی‌تری از مفاهیم استعاره‌ای را فراهم می‌آورد.

توضیح قابل توجه دیگری که برتری نظریهٔ نیرو–پویایی را در مقایسه با نظریهٔ استعاره‌های مفهومی نشان می‌دهد، جنبه‌های روانشناختی عامل و ضدعامل است که در نظریهٔ استعاره‌های مفهومی نادیده گرفته شده است. طبق نظریهٔ تالمی (۲۰۰۰)، این وضعیت روانی عامل است که آرزوها و خواسته‌های او را تشکیل می‌دهد و عامل را تحریک به مقابله با ضدعامل می‌کند. در حقیقت تالمی معتقد است که این جنبه‌های روانشناختی عامل هستند که به او قدرت رویارویی با ضد عامل را می‌دهند(تالمی، ۲۰۰۰: ٤۳۵). از آنجا که در مورد بیماری کرونا جنبه‌های روانشناختی و نه منحصراً جنبه‌های فیزیکی عامل نقش مهمی را ایفا می‌کنند، به تصویر کشیدن کوید ۱۹ از منظر نظام نیرو–پویایی کاملاً منطقی و جالب به نظر می‌رسد و به نوعی در صدد رفع بی توجهی به جنبه‌ی روانی استعاره‌ها در نظریهٔ استعارهٔ مفهومی است.

الگوی کوچش

استعاره‌های احساسات همواره مورد توجه محققین شناختی بوده اند و در قالب پژوهش‌های گوناگونی به تحلیل استعاره‌های عواطف و احساسات اهتمام ورزیده‌اند (کوچش، ۱۹۹۰ ; سابی [1]، ۱۹۹۸؛ بارسلونا [2] ، ١٩٨٦). اما نظر به اینکه همهٔ این محققین از

1- Csábi
2- Barcelona

دیدگاه نظریۀ استعاره مفهومی به تعبیر و تفسیر مفاهیم احساسی پرداخته‌اند، ظاهراً هیچ کدام قادر نبوده‌اند به تحلیل جزئی‌تر و دقیق‌تری از استعاره‌های احساسات دست یابند. همانگونه قبلاً ذکر شد، مفاهیم احساسات در قالب علت‌ها نیروها هستند تعبیر شده و بر اساس طرحوارۀ نیرو تعریف می‌شوند. علاوه براین، آنچه تعامل نزدیک احساسات با نظام نیرو-پویایی را توجیه می‌کند استعارۀ احساس نیرو است[1] می‌باشد که روشن کنندۀ این پیچیدگی است. بنابراین، طبق الگوی کوچش، نظریه‌ی نیرو-پویایی در تفسیر استعاره‌های احساسات کلیدی به نظر می‌رسد و قادر است جنبه‌های مختلف احساسات از جمله عامل و ضد عامل را بررسی کند. تا قبل از مدل ترکیبی کوچش نقش مهم نیرو-پویایی در تحلیل جنبه‌های مختلف استعاره‌های احساسات نادیده گرفته شده است.

با بهره‌مندی از نظریۀ تالمی در خصوص نیرو-پویایی (۲۰۰۰)، کوچش در می‌یابد چگونه تحلیل استعاره‌های احساسات از منظر نظام نیرو-پویایی با تکیه بر جزئیات امکان پذیر می‌باشد. با استفاده از این چهارچوب، کوچش (۲۰۰۰) نشان می‌دهد چگونه نظریۀ استعاره‌های مفهومی و نظریۀ نیرو-پویایی به یکدیگر پیوسته تا تصویری جامع، کامل و دقیق‌تری از ساختارهای استعاره‌ای مربوط به احساسات ارائه دهند. در این چهارچوب عواطف ضدعامل در نظر گرفته شده‌اند که گرایش به سمت انجام فعل دارند، در حالی که عامل (خود شخص) تمایل به حالت سکون دارد. در تعامل بین عامل و ضد عامل ، عامل می‌کوشد تا در مقابل عمل ضدعامل بدون تغییر باقی بماند در حالی که ضد عامل به ایجاد تغییر در رفتار عامل گرایش دارد.

کوچش (۲۰۰۰) تحلیل استعاره‌های احساسات در قالب نظام نیرو-پویایی را با پیوند دادن به طرحوارۀ نیرو و استعارۀ احساس فشار درونی داخل یک ظرف است[2] آغاز کرد. از مفهوم "فشار درونی داخل یک ظرف" دو استعارۀ دربرگیرنده استنباط می‌شود؛ مردم ظرف هستند[3] و احساس یک ماده داخل یک ظرف است[4]. در این استعاره بدن انسان یک ظرف درنظر گرفته شده است. با توجه به الگوی نیرو-پویایی، یک نگاشت مفهومی بین فشار درونی و احساس برقرار می‌شود. در این نگاشت فشار درونی حوزۀ معنایی مبدأ است؛ بنابراین ظرف عامل

1- EMOTION IS FORCE.
2- EMOTION IS INTERNAL PRESSURE INSIDE A CONTAINER.
3- PEOPLE ARE CONTAINERS.
4- EMOTION IS A SUBSTANCE IN A CONTAINER.

محسوب می‌شود و مادهٔ تحت فشار ضد عامل درنظر گرفته می‌شود. با این توصیفات، ضدعامل (مادهٔ تحت فشار) تمایل به تغییر دارد درحالی که عامل در مقابل این تغییر مقاومت می‌کند. درنتیجه ضدعامل که قوی‌تر است پیروز می‌شود و از ظرف بیرون می‌ریزد که باعث تغییر رفتار عامل می‌شود.

از طرفی دیگر، احساس در قالب حوزهٔ معنایی مقصد تعریف می‌شود که در آن عامل، خود منطقی و ضدعامل، احساس در نظر گرفته می‌شود. در حوزهٔ معنایی مقصد، تمایل ضدعامل (احساس) به سمت این است که خود منطقی به این مادهٔ تحت فشار واکنش نشان دهد، اما گرایش عامل (خود منطقی) به سمت مقاومت در برابر این تغییر است. بدلیل وجود یک ضدعامل قوی‌تر، عامل (خود منطقی) تسلیم می‌شود و نسبت به ضدعامل واکنش نشان می‌دهد و خود منطقی تحت تأثیر مادهٔ تحت فشار قرار می‌گیرد.

این الگوی نسبتاً پیچیده ارتباط نزدیک و تعامل استعاره‌ها و نظام نیرو-پویایی را نشان می‌دهد. به منظور رسیدن به تحلیلی جامع‌تر و دقیق‌تر نسبت به استعاره‌هایی که مفهوم نیرو را القا می‌کنند و از طرحوارهٔ نیرو برمی‌خیزند، این مدل ترکیبی مفید و کارآمد خواهد بود. از طرفی، مطالعهٔ مفاهیم ناشناخته، حساس و پیچیده از منظر استعاره‌های مفهومی فقط یک نگرش کلی به ما می‌دهد و اطلاعات دقیقی از هویت‌های نیرو واردکننده در اختیار ما نمی‌گذارد، نظام نیرو-پویایی می‌تواند این مشکل را حل می‌کند.

۳-داده‌ها و روش تحقیق

به علت برتری داده‌های پیکره‌ای در تحقیقات استعاره‌ای نسبت به انواع داده‌های ساختگی (کورت[1] ۲۰۱۷ ؛ دینان[2] ۲۰۰۵)، این پژوهش سعی کرده تا از داده‌های واقعی بهره گیرد. از آن جا که زبان فارسی فاقد پیکره‌ی خاص استعاره‌های کرونایی است و در حال حاضر شیوه‌ی تمام رایانشی جهت گردآوری استعاره‌ها از درون پیکره ممکن نیست، داده‌های مورد نیاز این مطالعه از وب سایت های خبری و روزنامه‌های فارسی زبان گردآوری شده است.

از آنجا که حوزه‌های معنایی مبدأ در استعاره‌های مربوط به کرونا در تحقیقات پیشین ارائه شده و مورد بحث قرار گرفته است (ر.ک. الزا و دیگران ۲۰۲۱؛ سمینو ۲۰۲۱؛ کاظمیان و حاتم

1- Kort
2- Deignan

زاده ۲۰۲۲) نیازی به ارائهٔ نمونه‌ها و لیستی از این حوزه‌های معنایی در اینجا نیست. پس از جمع‌آوری لیست حوزه‌های مبدأ از تحقیقات قبلی، کلید واژه‌های جنگ، دشمن، آتش، نیروی طبیعی، طوفان و غیره در متون خبری مربوط به کرونا جستجو شد تا نمونه‌های مناسبی جهت تحلیل یافت شود. به دلیل بالا بردن دقت جستجو و حجم بالای داده‌ها، در برخی موارد جستجو از کلید واژه‌های چند کلمه‌ای استفاده شد. سپس روش چهار مرحله‌ای تشخیص استعاره[1] (گروه پراگلجاز[2]، ۲۰۰۷) اتخاذ و پس از آن مدل ترکیبی کوچش (۲۰۰۰) ترکیبی از نظریه‌ی استعارهٔ مفهومی و نظام نیرو-پویایی، جهت تحلیل کیفی بکار گرفته شد.

٤-بحث

۱-٤-ویروس یک دشمن است.

آنچه ما از استعارهٔ ویروس یک دشمن است[3] می دانیم به تحقیقات انجام شده در حوزهٔ کرونا بر می‌گردد که به تحلیل استعاره‌ای این ویروس نوظهور پرداخته‌اند (نرلیش[4]، ۲۰۲۰ ؛ نرلیش و جاسپال[5]، ۲۰۲۱ ؛ کاظمیان و حاتم زاده ، ۲۰۲۲). اساساً، استعاره‌های خشم در برگیرندهٔ مفهوم نیرو هستند و از طرحوارهٔ خشم بر می‌خیزند. بطور کلی، هنگامی که بین دو ماهیت نیرو برتری مقاومت دیده می‌شود، طرحوارهٔ نیرو در سیستم شناختی ما فعال می‌شود (جانسون ، ١٩٧٤: ٤٢). جانسون[6] (١٩٧٤) اشاره به ویژگی‌هایی می‌کند که با طرحوارهٔ نیرو تداعی می‌شوند. این ویژگی‌ها که عبارتند از لزوم تعامل بین دو ماهیت، برتری مقاومت و وجود زنجیره‌ای از علت‌ها که به صورت یک توالی در پی یکدیگر می‌آیند، در مورد ویروس کرونا به وضوح دیده می‌شوند. به منظور تحلیل استعاره‌های کرونا در قالب مدل ترکیبی کوچش و با بهره‌گیری از استعارهٔ کلی علت‌ها نیرو هستند ، ساختار زیر قابل تصور است:

جدول (۱) نبرد بین ویروس و سیستم ایمنی انسان را نشان می‌دهد. ابتدا ویروس به سیستم ایمنی بدن انسان حمله می‌کند و با اعمال فشار به سمت سیستم ایمنی، باعث می‌شود بدن

1- Metaphor Identification Procedure: MIP
2- Pragglejaz Group 2007
3- VIRUS IS AN OPPONENT
4- Nerlich
5- Nerlich and Jaspal
6- Johnson

انسان عکس‌العمل نشان داده و مقاومت کند. این نبرد که منجر به پیروزی ویروس و شکست بدن انسان و یا برعکس می‌شود در نمونهٔ (۱) دیده می‌شود:

نبرد سیستم ایمنی انسان با کرونا (یورو نیوز ۱۷ دسامبر ۲۰۲۱)

جدول۱- ویروس یک دشمن است.

نگاشت استعاره‌ای	گرایش حرکتی عامل	گرایش حرکتی ضد عامل	نتیجهٔ حرکت
حوزهٔ مبدأ	*حریف اول*	*حریف دوم*	
دشمن در مبارزه	تلاش حریف اول در مقاومت در برابر حریف دوم	تلاش حریف دوم در شکست حریف اول	یا حریف اول برنده می‌شود یا حریف دوم
حوزهٔ مقصد	*بدن انسان*	*ویروس*	
ویروس	تلاش سیستم ایمنی بدن انسان در مقابله با حملهٔ ویروس	تلاش ویروس در شکست سیستم ایمنی بدن انسان و تسلیم در برابر فشار ویروس	سیستم ایمنی بدن انسان یا پیروز می‌شود یا در برابر فشار ویروس تسلیم می‌شود.

جملهٔ بالا نبرد عامل و ضد عامل را نشان می‌دهد که در آن سیستم ایمنی بدن انسان به عامل و ویروس کرونا به ضد عامل تأویل می‌شوند.

سطح طرحوارهٔ تصویری

علت‌ها نیروها هستند.

سطح حوزه

بیماری‌ها نیرو هستند.

سطح قالب

ویروس یک دشمن است.

سطح فضای ذهنی

از دست دادن کنترل بدن انسان در برابر ویروس یعنی نیروی ویروس بیشتر است از آنچه بدن انسان قادر به مقاومت در برابر آن است.

کوچش (۲۰۰۰) اظهار داشت که نظام نیرو–پویایی استعاره‌های سطح کلی را بر مـی‌انگیـزد. بنابراین، به منظور درک مفاهیم استعاره‌ای احساسات لازم است استعاره‌ها در یک قالـب چهـار سطحی طبق مدل کوچش (بزودی) تعریف شوند. با بهره‌گیری از مـدل کـوچش و بـا در نظـر گرفتن استعارهٔ ویروس یک دشمن است، اسـتعاره‌ای کـه در سـطح طرحـوارهٔ تصـویری قابـل تصور است علت‌ها نیروها هستند می‌باشد. اما دامنهٔ معنایی این استعاره بسیار گسترده اسـت و قادر نیست مفهومی که در استعاره‌های جنگ در مورد ویروس کرونا نهان اسـت را بـه وضـوح نشان دهد. بنابراین به منظور ارائهٔ ساختاری که نقش ویروس را به عنوان یک نیرو نشان دهد و تحریک کنندهٔ طرحوارهٔ نیرو نیز باشد، استعارهٔ بیماری‌ها نیروها هستند به نظر مرتبط و مناسـب می‌آید. در این سلسله مراتب طرحوارگی، سطح بعدی استعاره سطح قالب خواهـد بـود کـه در آن استعارهٔ ویروس یک دشمن است پدیدار می‌گردد که بدین ترتیب علت بیماری که ویـروس است در قالب دشمن تعبیر می‌شود. و بالاخره تجسم دقیق‌تر و جزئی‌تر در سطح فضای ذهنـی صورت می‌گیرد که در آن گرایشات عامل و ضد عامل به وضوح نشان داده شده است. اگرچـه استعاره‌ای که در این سطح قابل تصور است یک استعارهٔ متداول نیسـت، ولـی عـدم تعـادل در قدرت عامل و ضد عامل را به روشنی نشان می‌دهد.

ویروس نیروی طبیعی است.

ویروس آتش است.

با عنایت بـه مطالعـات پیشـین (سـمینو، ۲۰۲۱ ؛ کاظمیـان و حـاتم زاده ، ۲۰۲۲)، اسـتعارهٔ دیگری را مورد بحث قرار می‌دهیم که از دریچهٔ آن ویروس کرونـا قابـل تجسـم اسـت. آتـش حوزهٔ مبدأ دیگری است که در مفهوم پروری ویروس کرونا نقش مهمی دارد. اساسـأ، آنچـه از طرحوارهٔ آتش بر می‌آید مفهوم ممانعت[1] است که در طرحوارهٔ نیرو هـم وجـود دارد. ویـروس کرونا همچون آتشی می‌ماند که به سرعت در بدن مـا گسـترش یافتـه و ضـد عامـل محسـوب می‌شود. جدول (۲) این مدل ترکیبی از استعارهٔ آتش و نیرو–پویایی را نشان می‌دهد:

چهار البرزی دیگر در آتش کرونا سوختند. (خبرگزاری صدا و سیما ٢٦ آبان ١٤٠٠)

آنچه از این جدول استنباط می‌شود تشـابه و تطـابق آتـش و ویـروس اسـت کـه در قالـب طرحوارهٔ نیرو قابل تصور است. ویروس کـه در قالـب آتـش تعریـف مـی‌شـود باعـث ایجـاد

1- Blockage

تغییراتی در بدن انسان می‌شود. در حالی که ضد عامل (ویروس) گرایش دارد بدن انسان را در معرض بیماری قرار دهد و منجر به ایجاد تغییراتی در بدن انسان شود (عوارض مربوط به بیماری)، عامل (بدن انسان) می‌کوشد تا از این تغییرات در امان بماند. علیرغم تلاش‌های زیاد عامل جهت مقاومت در برابر ضد عامل ، در نهایت تسلیم می‌شود و تحت تأثیر ضدعامل قرار می‌گیرد و دچار تغییراتی می‌شود.

جدول۲- ویروس آتش است.

نگاشت استعاره‌ای	گرایش حرکتی عامل	گرایش حرکتی ضد عامل	نتیجهٔ حرکت
حوزهٔ مبدأ	*آنچه می‌سوزد*	*آتش*	
آتش	در برابر آتش بی تغییر می‌ماند.	باعث ایجاد تغییراتی در شئی‌ای که می‌سوزد می‌شود.	آنچه می‌سوزد دچار تغییر می‌شود.
حوزهٔ مقصد	*انسان در موقعیت بیماری*	*ویروس*	
ویروس	در برابر ویروس بی تغییر می‌ماند.	باعث ایجاد تغییراتی در بدن انسان می‌شود.	بدن انسان بواسطهٔ کرونا دچار تغییر می‌شود.

سطح قالب

ویروس آتش است.

سطح فضای ذهنی

تغییر بدن انسان توسط ویروس، نیرویی است که از طرف ویروس وارد می‌شود و از آنچه بدن انسان قادر است مقاومت کند، بیشتر است.

استعاره‌های مفهومی ارائه شده در بالا در تفهیم ساختار استعاره‌ای جملهٔ (۲) نقش برجسته‌ای دارند. استعارهٔ ویروس آتش است نقش ویروس را به عنوان آتش و یک نیروی طبیعی نشان می‌دهد که در قالب طرحوارهٔ نیرو قابل تعبیر است. نمایش دقیق‌تری از ساختار استعاره‌ای نمونهٔ (۲) در سطح فضای ذهنی اتفاق می‌افتد که نقش عامل و ضدعامل را در

توصیف استعاره و ارتباط آنها با یکدیگر را به وضوح نمایان می‌کند. از آنجا که استعاره‌های سطح طرحوارۀ تصویری و سطح حوزه در همۀ حوزه‌های مبدأ همسان است، ما در اینجا از تکرار این سطوح خودداری می‌کنیم.

۲-۲-٤- ویروس طوفان است.

نگاهی به تحقیقات پیشین، حوزۀ معنایی طوفان را ارائه می‌دهد که در توصیف ویروس کرونا نقش دارد و از دستۀ نیروهای طبیعی تلقی می‌شود (ر.ک. نرلیش و هلیدی[1] ، ۲۰۰۷ ؛ نرلیش ، ۲۰۲۰ ؛ کاظمیان و حاتم زاده ، ۲۰۲۲) . نکتۀ جالب توجه در استعارۀ ویروس طوفان است ارتباط معنایی آن با طرحوارۀ نیرو است. مفهوم برجسته‌ای که از حوزۀ معنایی نیروی طبیعی بر می‌خیزد، گرایش ضدعامل (طوفان، سونامی، باد) به ایجاد تغییر در عامل (انسان) است. بدین‌ترتیب، همانگونه که طوفان باعث ایجاد تغییر در شئی فیزیکی می‌شود، ویروس کرونا نیز در عضو بدن انسان تغییراتی را بوجود می‌آورد.

محافظت از ضعیف‌ترین عضو بدن در مقابل طوفان کرونا (خبر آنلاین ٤ بهمن ۱٤۰۰)

جدول۳- ویروس طوفان است.

نگاشت استعاره‌ای	گرایش حرکتی عامل	گرایش حرکتی ضد عامل	نتیجۀ حرکت
حوزۀ مبدأ	شئی فیزیکی	*نیروی طبیعی*	
طوفان	در مقابل طوفان بی حرکت می‌ماند.	باعث ایجاد تغییراتی در یک شئی فیزیکی می‌شود.	شئی فیزیکی دچار تغییر می‌شود.
حوزۀ مقصد	*شخص*	*ویروس*	
ویروس	در مقابل نیروی طبیعی بدون تغییر می‌ماند.	باعث ایجاد تغییراتی در عضو بدن می‌شود.	عضو بدن بواسطۀ کرونا دچار تغییر می‌شود.

1- Nerlich & Halliday

جدول (۳) تأثیر مدل ترکیبی استعارهٔ مفهومی و نیرو–پویایی در تحلیل ساختارهای استعاره‌ای همچون جملهٔ (۳) را نشان می‌دهد. بر این اساس، ویروس کرونا که در قالب طوفان تعبیر می‌شود نقش ضد عامل می‌گیرد و عضو بدن ، نقش عامل دارد. در حالیکه ویروس کرونا در قالب طوفان تمایل به تغییر موقعیت عضو بدن دارد، عضو بدن می‌کوشد بدون حرکت باقی بماند و تحت تأثیر ویروس تغییر نکند.

سطح قالب

ویروس یک نیروی طبیعی است.

سطح فضای ذهنی

تغییر بدن انسان توسط ویروس، نیرویی است که از طرف ویروس وارد می‌شود و از آنچه بدن انسان قادر است مقاومت کند، بیشتر است.

همانگونه که قبلاً به آن اشاره شد، جهت درک مفهوم این مدل ترکیبی، سلسله مراتبی از استعاره‌ها قابل تصور است که به تعبیر و تأویل مفاهیم پیچیدهٔ استعاره‌ای می پردازند. به منظور اجتناب از تکرار، از دو سطح اول گذشته و به سطح قالب می‌رسیم که در آن ویروس به نیروی طبیعی (طوفان، سونامی) می‌ماند که هر جسمی سر راه خود را تخریب کرده و بر بدن انسان تأثیر می‌گذارد. سطح آخر سطح فضای ذهنی است که در آن نقش عامل و ضدعامل به صورت برجسته نمایان می‌شود. لازم به ذکر است که استعاره‌های این سطح تحت تأثیر بافت و موقعیت تغییر می‌کنند.

۳-٤-ویروس یک حیوان وحشی است.

تطبیق معنایی بین دو حوزهٔ معنایی حیوان وحشی و ویروس منجر به خلق استعارهٔ دیگری در صحبت از کرونا می‌شود، ویروس یک حیوان وحشی است (ر.ک. کاظمیان و حاتم زاده ، ۲۰۲۲). ویژگی بارز یک حیوان وحشی قدرت عظیم و غیر قابل کنترل آن است که در نگاشت مفهومی در مورد ویروس کرونا نیز صادق است.

حملهٔ کرونای هندی به کودکان/ کرونا وحشی تر شد. (دنیای اقتصاد ١٦ تیر ١٤٠٠)

جدول٤- ویروس یک حیوان وحشی است.

نگاشت استعاره‌ای	گرایش حرکتی عامل	گرایش حرکتی ضد عامل	نتیجهٔ حرکت
حوزهٔ مبدأ	*رام‌کننده*	*حیوان وحشی*	
حیوان وحشی	حیوان را به عقب می‌راند.	از رام کننده فرار می‌کند.	یا حیوان از رام کننده فرار می‌کند یا رام کننده حیوان را کنترل می‌کند.
حوزهٔ مقصد	*شخص*	*ویروس*	
ویروس	می‌کوشد از حملهٔ ویروس در امان بماند.	بر شخص نیرو وارد می‌کند تا بدن انسان کنترل خود را از دست بدهد.	شخص یا کنترل خود را از دست می‌دهد و تسلیم ویروس شود یا کنترل خود را به دست می‌گیرد.

طبق جدول (٤)، رام کننده عامل و حیوان وحشی ضد عامل تلقی می‌شود. در حالی که ضد عامل (حیوان وحشی در حوزهٔ مبدأ) می‌کوشد بر رام کننده نیرو وارد کند، رام کننده سعی در مقاومت در برابر نیروی ضدعامل دارد. اما ضدعامل قوی‌تر است و به ناچار عامل تسلیم ضدعامل می‌شود. بنابراین، در حوزهٔ مقصد انسان که تحت تأثیر ویروس قرار گرفته، کنترل خود را از دست می‌دهد و ویروس قوی پیروز می‌شود.

سطح قالب

ویروس حیوان وحشی است.

سطح فضای ذهنی

تأثیر بدن انسان از ویروس، نیرویی است که از طرف ویروس وارد می‌شود و از آنچه بدن انسان قادر است در برابر آن مقاومت کند، بیشتر است.

استعارهٔ ویروس حیوان وحشی است که به طرز گسترده‌ای بکار گرفته شده در سطح قالب رخ می‌دهد. با این وجود، هیچ یک از استعاره‌ها قادر نبوده‌اند به تحلیل ماهیت‌های نیرو بپردازند. به همین دلیل، استعاره‌ای در سطح بعدی، سطح فضای ذهنی ایجاد می‌شود که ماهیت‌های نیرو و گرایشات آن‌ها را به وضوح نشان می‌دهد.

۳-۵- ویروس ابزار است.

حوزهٔ مبدأ دیگری که در تفهیم ویروس کرونا مؤثر گزارش شده است ابزار است که در مطالعات پیشین نیز به چشم می‌خورد (کاظمیان و حاتم زاده ، ۲۰۲۲). عامل برجسته ای که در

حوزهٔ معنایی ابزار مورد توجه است ارتباط معنایی نزدیک آن در قالب طرحوارهٔ نیرو است. آنچه از مثال زیر برداشت می‌شود تداعی ویروس کرونا با فنر است که هردو دارای نیروی عظیمی هستند و باعث ایجاد تغییر در جسمی می‌شوند که سر راه خود باشند.

نگذاریم فنر کرونا آزاد شود. (ایران ١٤اردیبهشت ۱۳۹۹)

جدول بالا تطبیق دو حوزهٔ معنایی ویروس و فنر را در جملهٔ (۵) نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، همان گونه که فنر تمایل دارد باز شود و نیروی خود را آزاد کند ویروس کرونا نیز تمایل به رها شدن و درگیر کردن افراد بیشتری را در جامعه دارد. اما انسان با بکارگیری پروتکل‌های بهداشتی و واکسیناسیون سعی در مهار فنر کرونا دارند. بدین ترتیب دو نتیجه حاصل می‌شود: یا فنر کرونا رها می‌شود و نیروی عظیم خود را بر جامعه‌ی انسانی وارد می‌کند یا توسط پزشکان و پرستاران مهار می‌شود.

نگاشت استعاره‌ای	گرایش حرکتی عامل	گرایش حرکتی ضد عامل	نتیجهٔ حرکت
حوزهٔ مبدأ	فنر	*انسان*	
فنر	تمایل دارد باز شود و انرژی خود را آزاد کند.	تمایل دارد نیروی فنر را مهار کند.	نیروی فنر یا مهار می‌شود یا آزاد می‌شود.
حوزهٔ مقصد	*کرونا*	*انسان*	
ویروس	تمایل دارد نیروی خود را آزاد کند و افراد بیشتری را درگیر کند.	تمایل دارد ویروس کرونا را کنترل کند.	کرونا یا کنترل می‌شود یا افراد بیشتری را درگیر می‌کند.

سطح قالب

ویروس یک ابزار است.

سطح فضای ذهنی

آزاد شدن فنر کرونا معادل اعمال نیرو از سوی کرونا و گسترش آن است. عدم آزاد شدن آن و کنترل آن معادل مقاومت در برابر نیروی آن جلوگیری از گسترش آن در جامعه‌ی بشری است.

طبق آنچه قبلاً گفته شد، به منظور درک کامل‌تر نمونهٔ (۵) استعاره‌های بالا در چهار سطح قابل بررسی است. از توضیح دو سطح اول که در دیگرحوزه‌های معنایی نیز یکسان بوده اجتناب کرده و به دو سطح قالب و فضای ذهنی می‌پردازیم. در سطح قالب ویروس در قالب ابزاری (فنر) تعبیر می‌شود که تمایل دارد رها شود و نیروی خود را آزاد کند. در حالی که کادر درمان که ضدعامل محسوب می‌شوند به فنر کرونا اجازه نمی‌دهند باز شود و نیروی خود را رها کند. آنها همواره می‌کوشند با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی و واکسیناسیون این فنر را بسته نگه دارند و نیروی کرونا را مهار کنند. سطح فضای ذهنی اشاره به تمایلات عامل و ضدعامل دارد.

٤-٤-خود ازهم مجزا[1]

اصطلاح خود از هم مجزا که نقش مهمی در الگوی نیرو-پویایی دارد، ریشه در نظریهٔ فروید و تقسیم بندی سه شقی معروف ذهن دارد. تالمی در تعریف مفهوم "خود از هم مجزا" اشاره به ماهیت‌های متناقض نیرو می‌کند که در یک روان وجود دارند. تالمی با مثالی مفهوم "خود از هم مجزا" را توضیح می‌دهد: "*خودم را از جواب دادن بازداشتم*" و "*از جواب دادن خودداری کردم*". آنچه از این دو جمله استنباط می‌شود این است که در حالی که یک قسمت از خود تمایل به انجام یک فعل خاص دارد، قسمت دیگر گرایشی به انجام فعل ندارد که البته قسمت دوم قوی‌تر بوده و از انجام فعل جلوگیری می‌کند. بدین ترتیب، روان نیز به دو ماهیت متناقض نیرو تقسیم می‌شود، عامل و ضدعامل که قوی‌تر است. این ایده در مورد کوید ۱۹ هم صادق است که در آن دو ماهیت در یک روان در کشمکش و نزاع با یکدیگر هستند.

آیا جهش زیاد سویهٔ امیکرون مرگ آن را رقم می‌زند؟ (خبرگزاری دانشجویان ایران(ایسنا) ۱۷ آذر ۱٤۰۰).

آنچه توجه ما را به این جمله جلب می‌کند، دو ماهیت متفاوت و ناسازگار کرونا هستند که قابل بحث و بررسی است. در حالی که یک قسمت از کرونا تمایل به تخریب بدن انسان دارد (جهش زیاد سویهٔ امیکرون)، قسمت دیگر حاکی از مرگ کرونا می‌باشد. قسمت اول که دربرگیرندهٔ خواستهٔ کروناست عامل در نظر گرفته می‌شود و قسمت دوم که قوی‌تر است و مانع از اجرای خواستهٔ آن می‌شود به ضدعامل تعبیر می‌شود.

1 Divided self

با درنظر گرفتن مفهوم "خود از هم مجزا" و بروز آن در مثال بالا چهارچوب نیرو-پویایی بر چهارچوب استعارهٔ مفهومی برتری یافته و کاربردی‌تر محسوب می‌شود. آنچه به درستی نیرو-پویا اعتبار می‌دهد، توجه ویژه به عوامل روانشناختی و تعامل بین هویت‌های در حال ستیز یعنی خود آرزو کننده و خود بازدارنده است. الگوی نیرو-پویایی پیچیدگی موجود در ساختارهای استعاره‌ای مرتبط با طرحوارهٔ نیرو را حل می‌کند. بدین ترتیب، مشکل چند معنایی مفاهیم استعاره‌ای درجملاتی که به توصیف مفاهیم ناشناخته و پیچیده می‌پردازند نیز مرتفع خواهد شد. با این وجود این حقیقت که نظریهٔ استعارهٔ مفهومی به تنهایی قادر نیست ماهیت‌های نیرو و تمایلات آنها را شرح دهد به معنای زیر سوال بردن درستی این نظریه نیست بلکه حاکی ازاین نظر است که در رفع ابهامات موجود در مفاهیم استعاره‌ای مرتبط با طرحوارهٔ نیرو، مدل نیرو-پویایی به مراتب کارآمدتر است.

نتیجه گیری

به نظر می‌رسد نظام نیرو-پویایی با بسیاری از استعاره‌های مفهومی مربوط به کرونا از قبیل جنگ، آتش، نیروی طبیعی، حیوان وحشی و ابزار که در مفهوم پروری کرونا نقش دارند ارتباط نزدیکی دارند. در این تحقیق ما دریافتیم که یک مدل ترکیبی از استعارهٔ مفهومی و نظام نیرو-پویایی به ما کمک می‌کند تا به درک عمیق‌تری از استعاره‌های مربوط به کرونا برسیم. همچنین این گونه استنباط شد که بررسی استعاره‌های کرونا از منظر نیرو-پویایی به درک بهتر ما از پیوند دو نظریهٔ استعارهٔ مفهومی و نظام نیرو-پویایی منجر خواهد شد و این مدل به خلق معنا در استعاره‌های مفهومی کمک شایانی می‌کند. با نگاهی دوباره به سوالی که در ابتدای این مقاله مطرح شد، اکنون می‌توانیم ادعا کنیم که مفهوم بیماری نمونهٔ بارز و آشکاری است که در برگیرندهٔ ساختارهایی است که به نظام مفهومی مرتبط هستند. قالب بیماری نمونهٔ ویژه‌ای از طرحوارهٔ نیرو است و استعاره‌های بیماری در زمرهٔ استعارهٔ مفهومی علت‌ها نیروها هستند قرار دارند. با بهره‌گیری از مدل نیرو-پویایی تالمی، به درک بهتری از مفاهیمی که زنجیره‌ای از علت‌ها در خلق آن‌ها نقش دارند دست می‌یابیم. از آنجایی که در مورد ویروس کرونا ما با سلسله‌ای از علت‌ها مواجه هستیم، تحلیل این مفاهیم در چهارچوب نیرو-پویایی کاملاً منطقی و مرتبط به نظر می‌رسد.

در همین راستا پژوهش حاضر مبحث مهم دیگری در زمینهٔ تحلیل طرحواره‌ای را با اقتباس از مدل کوچش (۲۰۲۰) مطرح می‌کند که متصـور زنجیـره‌ای از اسـتعاره‌هـا بـر اسـاس میـزان طرحوارگی است. طبق این اسـتعاره‌هـای چنـد سـطحی، درک و توصـیف ویـروس کرونـا از تجربیات شخصی ما ازدنیای اطـراف مـا نشـأت مـی‌گیـرد، سـاختارهای اسـتعاره‌ای در سـطح طرحوارهٔ تصویری را برمی‌انگیزد و به ترتیب منجر بـه خلـق اسـتعاره‌هـایی در سـطح قالـب و فضای ذهنی می‌شود. از آنجا که سطح حوزه سطحی است که مفـاهیم نیـرو-پویـایی در آن رخ می‌دهند، ارتباط بین استعاره‌های بدن مند و نیرو-پویا کاملاً معنا دار محسوب می‌شود.

کتابنامه

1. Abdel-Raheem A. Reality bites: How the pandemic has begun to shape the way we, metaphorically, see the world. *Discourse & Society*. 2021;32(5):519-541. doi:10.1177/09579265211013118
2. Barcelona, A. (1986). On the concept of depression in American English: A cognitive approach. *Rivista Canaria de Estudios Ingleses*, 12, 7-33.
3. Brown, B., Nerlich, B., Crawford, P., Koteyko, N., & Carter, R. (2009). Hygiene and biosecurity: The language and politics of risk in an era of emerging infectious diseases. *Sociology Compass*, *3*(5), 811-823.
4. Craig, D. (2020). Pandemic and its metaphors: Sontag revisited in the Covid-19 era. *European Journal of Cultural Studies 23(6):* 1025–1032.
5. Csábi, S. (1998). The conceptualization of lust in English. Paper presented at the meeting of the *Viennese Semiotic Society*. March 26-29
6. Dancygier, B., & Sweetser, E. (2014). *Figurative language*. Cambridge University Press.
7. Deignan, A. (2005). *Metaphor and corpus linguistics*. Amsterdam and Philadephia: John Benjamins.
8. Evans, V. & Green, M. (2006) *Cognitive linguistics: An Introduction.* Edinburgh: Edinburgh University Press.
9. Fillmore, C., J. (1982). Frame semantics. In: Linguistics Society of Korea (Ed.), *Linguistics in the Morning Calm*. Seoul: Hanshin, pp. 111-138.
10. Fauconnier, G. (1994). Mental spaces: Aspects of meaning construction in natural language. Cambridge University Press.
11. Hampe, B. (2005). From perception to meaning. *Berlin: Mouton de Gruyter*.

12. Johnson, M. (1987). *The body in the mind: The bodily basis of meaning, imagination, and reason*.
13. University of Chicago Press.
14. Kövecses, Z. (1986). *Metaphors of anger, pride, and love: An lexical approach to the structure of*
15. *concepts*. Amsterdam: John Benjamin.Kövecses, Z. (1990). *Emotion concepts*. New York: Springer-Verlag.
16. Kövecses, Z. (2000). *Metaphor and emotion*. New York/Cambrdge: Cambridge University Press.
17. Kövecses, Z. (2003). *Metaphor and emotion: Language, culture, and body in human feeling*. Cambridge University Press.
18. Kövecses, Z. (2020a) “Emotion concepts in a new light”, *Rivista Italiana di Filosofia del Linguaggio*. doi: 10.4396/SFL2019I7.
19. Kövecses, Z. (2020b). *Extended Conceptual Metaphor Theory*. Cambridge: Cambridge University Press.
20. Kövecses, Z. (forthcoming). Force dynamics, conceptual metaphor theory, emotion concepts. It will appear in the Handbook of Cognitive Semantics edited by Fuyin Li.
21. Kazemian, R. & Hatamzadeh, R. (2022). COVID-19 in English and Persian: A Cognitive Linguistic Study of Illness Metaphors across Languages, *Metaphor and Symbol 37*(2): 152-170. DOI: 10.1080/10926488.2021.1994839.
22. Kazemian, R., Rezaei, H., & Hatamzadeh, S. (2022). Unraveling the force dynamics in conceptual metaphors of COVID-19: A multilevel analysis. *Language and Cognition*. doi:10.1017/langcog.2022.9
23. Kort, S., (2017). *Metaphor in Media Discourse: Representations of ‘Arabs’ and ‘Americans’ in American and Arab News Media* [Unpublished doctoral dissertation]. Bristol University of West England.
24. Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). Metaphors we live by. University of Chicago press.
25. Lakoff, G. (1993). The contemporary theory of metaphor. In A. Ortony (ed.), *Metaphor and Thought*, 202–251. New York and Cambridge: Cambridge University Press.
26. Larson, B. M., Nerlich, B., & Wallis, P. (2005). Metaphors and biorisks: The war on infectious diseases and invasive species. *Science communication*, *26*(3), 243-268.
27. Nerlich, B., & Halliday, C. (2007). Avian flu: the creation of expectations in the interplay between science and the media. *Sociology of Health & Illness*, *29*(1), 46-65. http://doi:10.1111/j.1467-9566.2007.00517.x

28. Nerlich, B., Hamilton, C., & Rowe, V. (2002). Conceptualising foot and mouth disease: The socio-cultural role of metaphors, frames and narratives. *Metaphorik. de*, *2*(2002), 90-108.
29. Nerlich, B. (2004). War on foot and mouth disease in the UK, 2001: Towards a cultural understanding of agriculture. *Agriculture and human values*, *21*(1), 15-25.
30. Nerlich, B., & Koteyko, N. (2012). Crying wolf? Biosecurity and metacommunication in the context of the 2009 swine flu pandemic. *Health & Place, 18(4)*, 710-717. https://doi.org/10.1016/j.healthplace.2011.02.008.
31. Nerlich, B. (2020). Metaphors in the time of coronavirus. Making Science Public, 17 March. Available at:https://blogs.nottingham.ac.uk/makingsciencepublic/2020/03/17/metaphors-in-the-time-of-coronavirus/ (accessed 23 March 2021).
32. Nerlich, B., & Jaspal, R. (2021). Social representations of 'social distancing 'in response to COVID-19 in the UK media. Current Sociology, 0011392121990030.
33. Olza, I., Koller, V., Ibarretxe-Antuñano, I., Pérez-Sobrino, P., & Semino, E. (2021). The# ReframeCovid initiative: From Twitter to society via metaphor. *Metaphor and the Social World*, *11*(1), 98-120.
34. Pragglejaz Group. (2007). MIP: A method for identifying metaphorically used words in discourse. Metaphor and Symbol, 22(1), 1–39. doi:10.1080/10926480709336752
35. Semino, E. (2021). "Not soldiers but fire-fighters"–metaphors and COVID-19. *Health Communication*, *36*(1), 50-58.
36. Sontag, S. (1978). *Illness as metaphor*. Farrar, Straus and Giroux.
37. Sontag, S. (1989*). Illness as Metaphor and AIDS and Its Metaphors*. New York, NY: Doubleday.
38. Sullivan, K. (2013). *Frames and constructions in metaphoric language* (Vol. 14). John Benjamins Publishing.
39. Talmy, L. (1988). Force Dynamics in Language and Cognition. *Cognitive Science* 12, 49-100.
40. Talmy, L. (2000). *Toward a Cognitive Semantics*. Volume 1., *Concept Structuring Systems*. Cambridge, MA: The MIT Press.

The Conjoined Model of Force Dynamics and Conceptual Metaphors in Interpreting Metaphors of COVID- 19 in Persian

Reza Kazemian[1]
PhD student, Department of Linguistics, Faculty of Foreign Languages, Isfahan University, Isfahan, Iran. (Corresponding author)

Samieh Hatemzadeh
Master's student, Department of English Language and Literature, Faculty of Foreign Languages, Isfahan University, Isfahan, Iran

Received: 11/04/2022 Accepted: 19/07/2022

Abstract

With the emergence of Covid-19 in 2020, metaphorical conceptualization of coronavirus has been the focus of several investigations into the role of the cognitive system in understanding a novel, unknown and mysterious concept. However, previous research ignored the role of other operations of conceptualization such as force-dynamics (FD), which seems to be a foregrounded element in thinking of coronavirus. Grounding on Kövecses's combined model of conceptual metaphor theory (CMT) and FD, this study seeks to reveal the role of FD in interpreting the metaphors framing Covid-19. The present study sets out to determine if there is any constant correlation between CMT (Lakoff & Johnson, 1989) and FD (Talmy, 2000) to gain a deeper understanding of Covid-19 metaphors. In doing so, the current paper used the findings of the previous research revealing source domains by which conceptualization became possible. The source domains in this study include WAR, FIRE, NATURAL FORCE, WILD ANIMAL and TOOL which all are imbued with some degree of force. Our findings provide a solid evidence base to highlight the close relationship between CMT and FD and contribute to a better understanding of metaphorical expressions of coronavirus through illuminating the role of force entities and their tendencies.

Keywords: Conceptual metaphors, Force dynamics, Illness metaphors, Force Schema, Covid-19.

1- reza.kazemian.linguistics@gmail.com